



سوره مبارکه انبیاء

جلسه سوم: ۹۲/۱۲/۱۷

- جلسات قبل راجع به موضوع «ایمان» در سوره مبارکه انبیاء توضیح داده شد.
- نکته مهم: انبیاء در قرآن، نماد ایمان‌اند = انبیاء‌شناسی در قرآن متراffد ایمان‌شناسی است.
- هرگاه خدا بخواهد سبک زندگی مؤمنانه را در قرآن نشان دهد، زندگی انبیاء را بیان می‌کند. سبک زندگی مؤمنانه کاملاً متمایز از بقیه زندگی‌هاست. آن‌ها مثل بقیه زندگی می‌کنند «فقط به آنها وحی می‌شود». البته بقیه انسان‌ها هم می‌توانند به واسطه ایمان برخوردار از نوعی وحی شوند، ضمن اینکه می‌توانند از وحی و کتابی که به انبیاء نازل شده است استفاده کنند.
- «انبیاء» ایمان مجسم هستند و ایمان‌شان قابل رویت است.
- ایمان مجسم یعنی: اعتماد ویژه + رضایت از زندگی + توکل به خدا + تسلیم در برابر خدا
- جلسه گذشته آیات ۱ تا ۶ مطرح شد و درباره آن بررسی‌هایی صورت گرفت که خلاصه مطالب این است:
- آن چیزی که به عنوان آسیب برای ایمان و عدم مشاهده ایمان مجسم بیان شد:

✓ لهو

✓ لعب

✓ غفلت

- یعنی «غفلت»، «لهو» و «لعب» مقابله ایمان است. در واقع اصل «غفلت از ذکر» است که به واسطه لهو و لعب ایجاد می‌شود.

ادامه آیات:

- آیه ۷-

- ۱) «اسراف» خط مقابله با انبیاء راه می‌اندازد = جریان مقابله با انبیاء را «مسرفین» گویند. هر کسی در جامعه مُسرف باشد خواسته یا ناخواسته در مقابله انبیاء قرار می‌گیرد.
- ۲) مُسرف هم لهو و لعب دارد و هم غفلت / «اسراف» استفاده نامتعادل و غیرعادلانه از امکان و موقعیتی را گویند.
- ۳) برای بهره‌مندی از وحی لازم است اهل ذکر بهره برد در غیر این صورت انسان به جهالت کشیده شده و جزو مسrfین می‌شود = اسراف حاصل جهل است.

روایتی از حضرت علی (ع): جاهل را نمی‌بینی مگر اینکه یا افراط می‌کند یا تفریط.

- ۴) اراده خدا تعلق گرفته است که به انسان‌هایی وحی نازل شود. (دوان ارسال)

- ۵) نجات و هلاکت دارای قانون است. چون قانون دارد استثناء بردار نیست = در واقع اینها در تکوین عالم هستند.
- ۶) وحی به رجال نشان‌دهنده، ظهور وحی در ساحت اجتماع است.
- ۷) بشر بودن مانع انزال وحی نیست. / جنس بشر قابلیت وحی شدن را دارد. (در حوزه لیاقت‌ها لازم است بررسی شود که چه کسی لایق نزول وحی است)

نجات = امنیت (ایمان)

۸) پذیرش ذکر از مؤلفه‌های ایمان زاست.

۹) ایمان در صورتی اتفاق می‌افتد که دستاوردهای انبیاء برای او ذکر شود.

۱۰) رجوع به عقل، عامل برخورداری از ذکر است.

۱۱) ساختار تعلیم و تربیت دینی انبیاء، احیاء شدگان توسط انبیاء (اهل ذکر) از طریق احیای ذکر می‌باشد.

۱۲) «اتصال به وحی» به عنوان کلید حل بسیاری از مشکلات زندگی است. علم = حکم

- آیه ۱۰:

۱) در کتاب، مسائل مربوط به فلاح و سعادت امت و اجتماع و فرد آمده است.

۲) هر کس متناسب با مراحل رشد خود می‌تواند از کتاب بهره ببرد.

۳) در موارد زیر لازم است به «کتاب» مراجعه شود:

✓ برای «تعقل» لازم است به کتاب مراجعه شود.

✓ برای «اصلاح زندگی» لازم است به کتاب مراجعه شود.

✓ برای «اصلاح نیازها و تشخیص نیازهای حقیقی» لازم است به کتاب مراجعه شود.

✓ برای «ایمان به غیب» لازم است به کتاب مراجعه شود.

- توجه:

رسول

کتاب عقبه‌ای به نام رسول

دارد که سبب انزال قرآن است.

کتاب محل جمع‌آوری وحی است.

کتاب محل «رجوع» و محل «وحی» است.

کتاب

ساختار وجودی
جامعه

ساختار وجودی
انسان

اهل ذکر / جریان اجتماعی / امت

ذکر / فطرت / تعقل

مسیر هدایت انسان در ساحت فردی و اجتماعی در کتاب ذکر شده است.

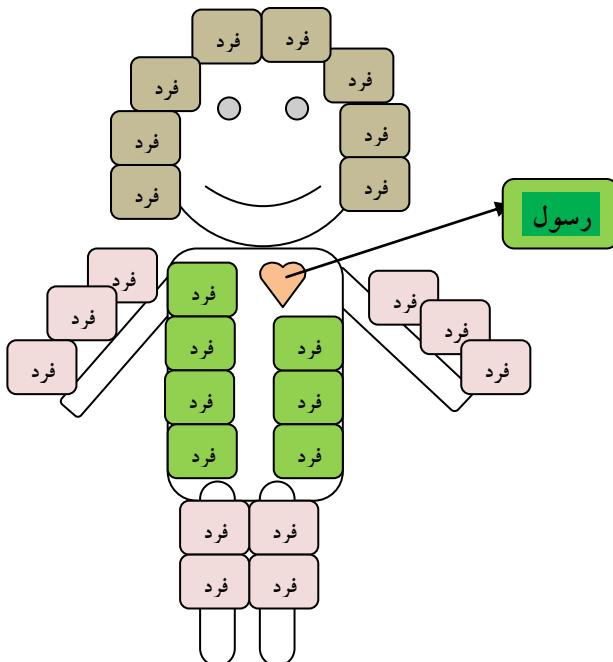
- در آیه ۱۰، اگر «ذکر کُم» را فرد یا جامعه در نظر بگیریم هر دو صحیح است.

می‌تواند منظور از ذکر کُم این باشد که در کتاب نقشه راه وجودی شما و جامعه است.

- بنابراین اگر در خواندن قرآن، موانعی ایجاد شود در «ذکر» مانع ایجاد می‌شود.
 - «ذکر» علم مضبوطی در درون انسان است که به وسیله القاء شکوفا می‌شود.
 - ذکر در قرآن مانند هسته سبب است.
 - توجه: نتیجه از آیه ۱۰: نقشه راه انسان و جامعه در کتاب (قرآن) است. باید نقشه را خواند و از آن برای طی کردن مسیر کمک گرفت. (بر اساس نقشه حرکت نکردن = عدم تعادل)
 - اگر انسان نقشه راه نداشته باشد دچار افراط و تفریط یا همان «اسراف» می‌شود.
- توجه مهم: انبیاء برای ایمان آوردن مردم به خدا و قرآن مدلشان روش سخنرانی و تربیون نبوده است بلکه خود آنها دانه‌ای از درخت سبیلی بودند که مردم می‌توانستند سبب‌هایش را ببینند و از آن تناول کنند. مردم در انبیاء ایمان و شکوفایی ایمان را به صورت عینی مشاهده می‌کردند. در تربیت دینی انبیاء، لسان قولشان خاموش بوده و لسان فعلشان روشن بوده است.
- وقتی خدا در آیه ۱۰ می‌گوید: «قرآن کتابی است که ذکر شما در آن است»:
- ۱- اگر ما در مسیر آن قرار بگیریم به تدریج آیات برایمان شکوفا می‌شود.
 - ۲- اگر خواستید نمونه شکوفا شده این کتاب را ببینید به انبیاء مراجعه کنید.
- قرآن بهترین و جامع‌ترین و کامل‌ترین نقشه راه را دارد و بهترین سند را برای زندگی انسان ارائه داده است و تفاوت آن با بقیه سندها این است که:
- (۱) قابلیت بومی‌سازی دارد.
 - (۲) قابلیت آموزش دارد.
 - (۳) قابلیت عمومی‌سازی دارد.
- هر کسی برای اینکه نقشه قرآن را یاد بگیرد اولین مرحله این است که باید برنامه‌ریزی در زندگی را یاد بگیرد. این برنامه‌ریزی باید درباره باورها، صفات، اعمال و علم همه و همه صورت گیرد.
- ✓ برنامه‌ریزی درباره باورها، صفات، اعمال و علم آنچه هستم.
- ✓ برنامه‌ریزی درباره باورها، صفات، اعمال و علم آنچه هستم، باید باشم تا یکسال آینده.
- عوامل عدم موفقیت در برنامه‌ریزی:
- ۱- نشناختن امکانات
 - ۲- افق و چشم‌انداز نداشتن
- علت نداشتن افق و چشم‌انداز «بخل» است زیرا انسان فقط خودش را می‌بیند. در حالی که قرآن این‌گونه می‌خواهد که به احتراز در آوردن پرچم‌های دین خدا در همه نقطه‌های عالم.
- افق و چشم‌انداز قرآن عالم‌گیر است اما هنگام برنامه‌ریزی، بسیار جزیی برنامه‌ریزی می‌کند.
- بعضی از موارد در برنامه‌ریزی مهم است که باید انسان به آنها توجه داشته باشد. مانند اینکه «اگر کسی خواب بین‌الظوعین را کنار نگذارد، صاحب عزم نمی‌شود.

- مهم‌ترین شاخصه در برنامه‌ریزی تنظیم «خواب» است.
- اگر بخواهیم به آیه ۱۰ سوره انبیاء عمل کنیم باید به خودمان حرکتی بدھیم. وقتی حرکت می‌کنیم رجوع به ذکر برایمان موضوع می‌شود. قاعدة کلی: اگر نیاز به ذکر در فرد زنده نشود، رجوع به ذکر در او زنده نخواهد شد.

- توجه: توضیحاتی که داده شد راجع به موضوع ذکر در فرد بود حال اگر قرار باشد ذکر در جامعه ایجاد شود که «امت» به وجود آید باید فرد فرد ... در جامعه حکم انسانی پیدا کنند که هر گروه از آنان قسمتی از انسان را تشکیل دهنند و هرگاه این انسان به صورت ساختار در می‌آید به آن «امت» گویند.

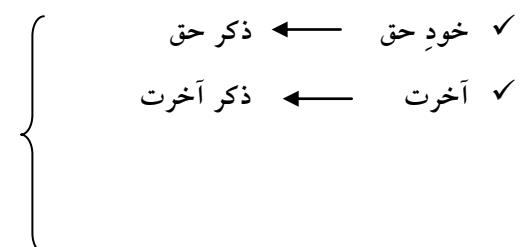


زنگ دوم:

- آیه ۱۱: وقتی انسان در دنیا طلبی اسراف می‌کند = اتراف، به نهایت رساندن لذت طلبی مانند شهوت، غصب و ...
- در واقع علت هلاکت اقوام دو چیز است: ۱- ظلم - ۲- اتراف
- آیه ۱۳: در این آیه، خطاب کنایی است.
- آیه ۱۵: این آیه بسیار تکان‌دهنده است زیرا شبیه‌سازی می‌کند به گندمزاری که درو می‌شود و گندم‌ها همه بر زمین افتاده‌اند.
- آیه ۱۶: هلاکت مُسرفین و ظالمین جزء قانون‌های حتمی خداست و این موضوع بر اساس قانونِ لاعب نبودن خدا در خلقت است. یعنی هلاکت اینها نشان‌دهنده غایت داشتن خلقت است.
- آیه ۱۷: در این سوره بحث «لهو و لعب» بسیار با هم ذکر می‌شود. در این آیه لهو و لعب را در مصدق یکی می‌داند. یعنی انسان باید توجه داشته باشد که بسیاری از اوقات لهو و لعب به هم گرایش پیدا می‌کنند که بسیار خطرناک است.
- عادت‌های انسان از لهویاتش شروع شده است.
- آیات ۱۸ تا ۲۰: یک نحو حضور حق در جامعه را بیان می‌کند. (نَقْذِفُ: افکنندن / نوع غلبه، غلبه با سیطره است.

منظور از «حق»:

هر چه غیر آن است «باطل» است.
« Zahq » است یعنی از بین رفتی است.



✓ قوانین و حقایق ← بهره از قوانین

✓ جلوه‌های ربوی ← ابتغاء وجه خدا

- منظور از هلاکت قوم، هلاکت فکر، هلاکت باور و هلاکت عمل این است که در همه اینها حق، آخرت، قوانین و جلوه‌های ربوی نباشد. به همان اندازه که از حق خالی باشد، از بین رفتني است و به هلاکت رسیده است.

- هر کسی که وجودش برخوردار از «حق، آخرت، قوانین و جلوه‌های ربوی» نباشد، او هم از بین رفتني است. حتی اگر زمانی ظاهرًا جلوه هم داشته باشد اما بالاخره از بین رفتني است.

- آیات ۱۹ و ۲۰: هر کسی نسبت به خدا مناسب با ظرفیت خودش، «باوری» دارد. مثلاً خدا برای یک کودک به اندازه فهم آن کودک است. انسان باید در درون خودش «خدا» که همان حقیقت است را بزرگ کند. راه بزرگ کردن خدا و حق این است که باید برای خدا و حق، عظمت قائل شد. این کار زاویه دید انسان را نسبت به خدا تغییر می‌دهد و انسان می‌فهمد که «الله اکبر». (آیات ۱۹ و ۲۰ وجه تکبیری آیات هستند).

- آیه ۲۱: عده‌ای اعتقاد دارند که خدایانی وجود دارند که آنها مسئول حساب و کتاب‌اند.

- آیه ۲۲: اگر اعتقاد به چند خدایی وجود داشته باشد زمین و آسمان فاسد می‌شود.

- فساد ایجاد می‌شود زیرا «لا مؤثر فی الوجود الا الله». حال در عالم هر چیز یا «وجود» است و یا «لا وجود». ضمناً وجود، مسبب هر لاوجودی است که لا وجود ممکن است شیء باشد و یا اتفاق. بنابراین «یک وجود» مسبب برای لا وجود است زیرا اگر وجود دیگری باشد فساد ایجاد می‌شود زیرا قائل شده‌ایم که وجودی در عین اینکه وجود است لا وجود نیز باشد.

- آیه ۲۳: خدایانی که ما داریم، می‌توان از آنها سئول کرد و آنها را مورد بازخواست قرار داد. یعنی ما برای خدایمان، خدایی می‌کنیم. اما اگر خدا، وجود مطلق شود، دیگر وجود مطلق سوال‌بردار نیست.

- آیه ۲۴: در زندگی باید هر روز که عمل‌های زیاد و متفاوتی انجام می‌دهیم مشخص کنیم که هر عملمان مستند به کدام برهان بوده است. آیا مستند به خدا بوده یا خیر؟

- اگر همه اعمال ما مستند به خدا باشد، آنگاه در زندگی یکپارچگی (شکر) پیدا می‌کنیم ولی اگر مستند به چیزهای مختلف باشد (شرک) ایجاد می‌شود.

- فرد نباید بر اساس شرایط و اقتضایات احکام خدا را متغیر کند. حکم‌های خدا مناسب با شرایط هستند، باید آن را در زندگی جاری کند.

- نگرانی‌هایی که بر اساس پارامترهای دنیایی وجود دارد، اشتباه هستند و همگی خلاف توکل‌اند.

زندگی صحنه آزمایش است تا ایمان افراد سنجیده شود که:

افراد چه خدایی را پذیرفته اند؟

قدرت خدایشان چقدر است؟

علم خدا تا کجاست؟

زندگی صحنه آزمون ایمان فرد است و بر اساس ایمان به او درجه می‌دهند و در بهشت به او جایگاه می‌دهند.

هر کاری در زندگی برای ما استناد به چیزی دارد اما باید هر کاری در زندگی مستند بشود به حکم خدا.

مراجعهای حکم:

✓ حکم شرعی (مانند: نماز و روزه)

✓ حکم اخلاقی (مانند: حقوق)

✓ حکم تفکر و تعقلی (مانند: مسائل زندگی مثلاً چه غذایی درست کنم؟)

- باید مدتها تمرین کنیم که همه کارهای ایمان مستند به حکم خدا باشد و محل رجوع عمان یکی از موارد بالا باشد.

- توکل: اتکاء به حکم خدا در هر کاری را «توکل» گویند.

- آیه ۲۵: همه محتوای وحی «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونَ» است.

- آیه ۲۶: نباید فراموش کنیم که انسان نباید برای خدا ولد قائل شود. قائل شدن عباد مکرم برای خدا ایرادی ندارد. عباد مکرم یعنی ملائکه و آنچه که خدا سبب قرار داده است و گرامی داشته شده‌اند و از آنها کار بر می‌آید.

- آیه ۲۷: «عباد مکرم» بر خدا پیشی نمی‌گیرند و خودشان نیز به دستور خدا کار می‌کنند.

- آیه ۲۸: نباید برای اسباب حیثیت مستقل قائل شد. همه قوانین مانند مرگ، حیات و ... همه تابع پروردگار هستند. اسباب قانون استقلالی ندارند و همه اسباب بستگی به اراده خدا دارد. تنها سبب هستی «خداست».

- آیه ۲۹: اگر هر کدام از اسباب یا عباد مُکرم (ملائکه) بگویند: «من نیز خدا هستم»، به جهنم کیفر داده می‌شود.

- آیه ۳۰: خدا می‌تواند به اشیاء خاصیت بدهد. هر خاصیتی از شیء را خدا جعل کرده است.

- جلسه آینده درباره «آیه» توضیح داده خواهد شد. درباره اینکه تمام خاصیت‌هایی که موجودات دارند، آن موجود را برای ما «آیه» می‌کنند.

اللَّمَّا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ رَبَّ الْعَالَمِينَ